عنوان:

طعمه ندانستن مسئولیت-بخش2

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | m-t-36 |
| رده | مهارتی/تشکیلاتی/مبانی و اصول/مولفه های تشکیلات توحیدی/وظایف اعضاء |
| برچسب | خدمت، طعمه، هدف شخصی، خدمت، امام خامنه ای |
| توضیحات |  |

در بخش اول ، این مطلب که اعضای یک تشکیلات، مسئولیت را فرصتی برای رسیدن به اهداف و اغراض شخصی تلقی نکنند؛ از منظر مقام معظم رهبری مطرح شد.

در این بخش نیز بیانات دیگری از ایشان در این زمینه ارائه می گردد:

« آنچه براى بنده و شما آقايان كه اين توفيق را پيدا كرده‏ايم تا بتوانيم به مردم خدمت كنيم، هميشه بايد مطرح باشد، همين موضوع خدمت است. فرق جمهورى اسلامى با ديگر دستگاه‏هايى كه مادّى هستند و عمدتاً در زمينه‏ى مسائل انسانى، مبتنى بر يك فكر الهى نيستند، در همين يك نكته است كه در جمهورى اسلامى، وزير و مسئول و رئيس‏جمهور و مدير در هر سطحى كه هست نيّت اصلى‏اش اين است كه به مردم خدمت كند و به اشاعه‏ى فكر الهى و آن حيات طيّبه و شايسته‏اى كه خداى متعال براى انسانها مقرّر فرموده است، كمك كند. اصلْ اين است. برخوردارى‏هاى شخصى، هدف نيست. مدير، براى خودش كار نمى‏كند. واقعاً در بين مديران ما، هستند كسانى كه اگر انسان در طول فعاليتهاى روزانه‏ى اينها نگاه كند، مى‏بيند در دوره‏ى سال، شايد يك‏بار، دوبار هم اين‏ها براى خودشان كارى نمى‏كنند. يعنى فرصت نمى‏كنند كه به خودشان برسند و مسائل شخصى خودشان را دنبال كنند. غالباً اين‏ها مسائل شخصى‏شان هم خيلى مى‏ماند. وقتشان، فكرشان، همّتشان صرف خدمات به مردم است. اين، آن خواسته‏ى اصلى است و شما آقايان، اين نكته را بايد يك‏لحظه از نظر دور نداريد كه هدف، خدمت كردن است ..... حكومت معنايش چيست؟ حكومت معنايش اين است كه انسان حقّى را احقاق كند؛ عدل را برپا بدارد. امير المؤمنين عليه الصّلاة و السّلام، در آن صحبتى كه معروف است‏[[1]](#footnote-1) و همه شنيده‏ايد، فرمودند اين حكومت به قدر اين كفش يا بند اين كفش براى من ارزش ندارد. بعد فرمودند: «اِلّا اَن اُقيمَ حقّاً » مگر اينكه حقّى را اقامه كنم. در اين راه انسان هرچه بكشد و هرچه زحمت تحمّل كند و هرچه اضافه كار كند و هرچه شب بى‏خوابى بكشد و هرچه از آن امكاناتى كه به‏طور معمول افراد جامعه دارند، محروم بماند، حقّش است، جا دارد و انسان در اين صورت، ضرر نكرده است. باز از امير المؤمنين عليه الصّلاة و السّلام نقل شده است كه در يكى از خطبه‏ها مى‏فرمايد: حاضرم مضمون اين است در راه اينكه اقامه‏ى حقّى كنم و ابطال باطلى كنم، بر روى خارهاى سخت كشانده شوم. به‏هرحال، اين آن چيزى است كه مبناى كار ماست و بايد به آن توجّه داشته باشيد »[[2]](#footnote-2).

همچنین حضرت امام خامنه ای(مدظله العالی) با استفاده از خاطره ای از اوایل انقلاب این مسئله اساسی را به تصویر کشیده اند:

« ما، قبل از ورود امام رضوان الله تعالى عليه، كه در دانشگاه تهران تحصّن كرده بوديم، چهار، پنج روز مانده به ورود امام، جلسه‏اى با دوستان تشكيل داديم. اغلبِ دوستان هم از روحانيون بودند؛ گفتيم: «خوب؛ فردا امام وارد تهران ميشوند. مردم ميريزند سرمان؛ هر كس كارى دارد، مراجعه‏اى دارد، حرفى دارد؛ بايد از حالا آماده باشيم و تشكيلات بيت امام را منظّم كنيم؛ هر كس مسؤوليتى به عهده بگيرد.» همه قبول كردند كه بياييم درباره‏ى اين قضيه فكر كنيم. جلسه گذاشتيم؛ بنده گفتم: «من ميشوم قهوه‏چى.» رفقا خنديدند و گفتند: «شوخى ميكنى؟» گفتم: «نه؛ شوخى نميكنم. اتفاقاً چون اهل چاى هستم، چاى خوب درست ميكنم؛ من ميشوم قهوه‏چى.» گفتند: «حالا شوخى نكن.» گفتم: «من شوخى نميكنم؛ جدّى ميگويم. بالاخره منزل امام، يك چاى‏ريز ميخواهد! آن چاى‏ريز، من باشم.» اين حرف موجب شد كه جلسه‏ى ما به يك سمت خوب رفت. فرق است بين اين‏كه هر كس بنشيند جايى و هدف بگيرند كه «رئيس اين تشكيلات‏ كى باشد؟» من توى دلم بگويم: «بالاخره من مناسبترم.» شما بگوييد: «من مناسبترم.» اين‏جا يك معارضه و دعوا ميشود. ما در اين دعوا، به قول زورخانه‏چى‏ها، لُنگ انداختيم؛ گفتيم: «ما نيستيم؛ شغل ما قهوه‏چى‏گرى.» همه لُنگ انداختند و كار، سامان گرفت. بايد خودمان را در خدمت شغل قرار دهيم؛ شغل را در خدمت خودمان نخواهيم و ندانيم‏»[[3]](#footnote-3)

1. - نهج‏البلاغه: خطبه 33 [↑](#footnote-ref-1)
2. - (03/ 06/ 1372)، بيانات در ديدار«هيئت دولت» در آغاز كار دوره‏ى دوم رياست جمهورى آقاى«هاشمى رفسنجانى» [↑](#footnote-ref-2)
3. - (07/ 05/ 1372)، بيانات در ديدار مسئولان«آذربايجان شرقى» [↑](#footnote-ref-3)